**جایگاه های دانش در جهان اسلام**

**امین، حسین**

**ساکت، محمد حسین**

در اینجا شایان یادآوری است که«هنگامی که دانشمندان ماوراء النهر به بنیاد مدارس‏ در بغداد،آگاهی یافتند اندوهگین شدند و در انجمنهای دانش اقامت گزیدند.گویند بلندهمتان و پرهیزکاران و با فرهنگان،که برای بزرگ منشی و کمال به علم روی می‏آوردند، در آنجا سرگرم بودند.بنابراین،دانشمندان،می‏آمدند و از خرمن دانش آنان خوشه‏ می‏چیدند؛همینکه برای تحصیل در آنجا،مزد و مقرری تعیین گردید؛تنگ چشمان و دون‏همتان بدانجا نزدیک شدند و گرد آن گردیدند»(حاجی خلیفه:کشف الظنون،ج 1، ص 53،طبعة و کالة المعارف،1362 هـ )(1)

پایان

(1)-دوست فاضل گرانمایه‏ام آقای دکتر سادات ناصری را سپاسمندم که کتاب‏ «المدرسة المستنصریة»-به قلم نویسندگان این گفتار-را،برای ترجمه،در دسترس من‏ گذاردند.«مترجم»

اناتول فرانس

بهانه‏های جنگ

محرک اصلی اعمال بشری،گرسنگی،هوس،و اطفای غریزهء جنسی است.

گرسنگی،طوایف صحرانشین بدوی را به قتل و جنگ سوق می‏دهد و هوس کشورگشائی‏ را در قلب آنان ایجاد می‏کند.

ملل متمدن هم شبیه سگ‏های شکاری هستند که غزیزهء فاسدی آنان را وادار می‏کند که بی‏سبب آبادی‏ها را ویران کنند و دست بکشتار بگشایند.

بهانه جنگ‏های جنون‏آمیز امروزی یا منافع شخصی سلاطین است،یا دعاوی نژادی‏ و ملی،و یا شرافت و آبروی کشور؛ولی این بهانهء اخیر-یعنی شرافت و آبروی کشور- از همه بهانه‏ها مضحک‏تر و بی‏پایه‏تر است؛زیرا کدام کشور است که در طول تاریخ خود شرم‏آورترین جنایات را مرتکب نشده و خود را به ننگین‏ترین فجایع آلوده نساخته باشد؟ کدام ملت است که در زندگی خود انواع خفت و خواری ندیده و طعم سرشکستگی‏های‏ مستمری را که لازمهء سرنوشت هر تودهء بیچارهء بشری است نچشیده باشد؟

با این همه اگر آثاری از شرف در جماعات بشری موجود باشد بسیار عجیب خواهد بود که برای دفاع از آن به جنگ متوسل شوند.یعنی بنام جامعه مرتکب قتل و غارت و هتک ناموس و جنایات دیگری شوند که ارتکاب آن باعث سلب شرافت از هر فرد انسانی می‏شود. آثار عامل دیگر اعمال بشری-یعنی عشق هم-غالبا شبیه آثار عامل گرسنگی می‏باشد. اثر عشق هم ستیزه‏جوئی و ستمگری و بی‏رحمی است و باید گفت بشری که تابع این دو عامل‏ خطرناک باشد جانور تبه‏کار و شروری است.ترجمهء نا.نا.